

رئیس بیمارستان دامپزشکی تهران در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»:

ممنوعیت «سگ‌گردانی» مبنای قانونی ندارد

پیام محبی: شرع، حق داشتن حیوان را از انسان سلب نکرده است



آسو محمدی

سوال شما چندوجهی است و موارد مختلفی در خود دارد. برای پاسخ به بخش کنوانسیون‌های بین‌المللی ناگزیرم به عقب برگردم. در قرآن واحکام اسلامی در مورد حقوق حیوانات مطالبی آمده است. برخلاف حرف معلمان ما که وارد کلاس می‌شدند و می‌گفتند: «مگر اینجا جنگل است؟» باید گفت اتفاقاً جنگل قوانینی زیاد و سفت و سخت‌تر از قوانین بشری دارد. حیوانات نیز حقوق خود را دارند و برخلاف انسان‌ها همدیگر را می‌خورند؛ ولی حق و حقوق هم را پایمال نمی‌کنند. از زمانی که قشر خاکستری مغز انسان‌ها تکامل پیدا کرد و انسان اولیه از جنگل بیرون آمد و غارنشین و بعدها شهرنشین شد و شروع به تامین منافع خود از حیوانات کرد، ناخودآگاه به این نتیجه رسید که اگر حق و حقوق آنها را رعایت نکند آنها نیز حق و حقوق انسان را رعایت نمی‌کنند. یعنی اگر شروع به گوسفندداری کرده‌ایم پس امرارحیت ناصحیح، از آنها شیر کافی نمی‌گیریم، اگر از جان گوسفندان محافظت نکنیم، گرگ‌آنها را می‌درد و اگر در برابر بیماری محافظت نشوند، نمی‌توانند بهره‌بردار باشند. در حقیقت رعایت حقوق حیوانات همیشه بوده، ولی ظواهر آن فرق کرده است. در دین اسلام مباحث جالبی در رابطه با حقوق حیوانات مطرح شده است و با تعمق در آنها اطلاعات خوبی به دست می‌آید، به‌طوری که اگر امروز کسی این حرف‌ها را تکرار کند، گفته خواهد شد انسانی بسیار روشنفکر و به‌روز است.

در سوره هود گفته شده است اگر سگ شکاری شما برایتان شکاری در «دهان» آورد پاک است و می‌توانید آن را بخورید؛ اما اگر سگ از آن شکار خورده بود نمی‌توانید آن شکار را بخورید. این دستور برای رعایت پاکیزگی طعام نیست، بلکه به خاطر منافع حیوانات است. سگ شکاری که آنچنان گرسنه باشد که شکار را بخورد، مستحق غذاست. یعنی وظیفه شکارچی ابتدا سیر کردن شکم حیوان است. اول باید حقوق حیوان و بعد حقوق خود را رعایت کند. این حرف غریبی نیست و در قرآن آمده است. در کتابی از علامه محمدتقی جعفری در رابطه با همزیستی با حیوانات گفته شده است اگر از حیوانی نگهداری می‌کنید، حقوق او را رعایت نکنید، غذای مناسب به او ندهید، مکان نگهداری مناسب نداشته باشد و بهداشت مناسب او را رعایت نکنید، حاکم شرع می‌تواند شما را به شلاق محکوم کند. در حالی که امروز اگر کسی به خرس سنگ بزند قانونی نداریم تا او را مجازات کنیم. در مرحله‌ای دیگر حیوانات مونس و همدم‌ما می‌شوند و ما آنها را به خانه‌های خود می‌آوریم. حق و حقوق آنها باید رعایت شود. سگ جرمی مرتکب نشده که سگ خلق شده است. پس به ذات اینکه چه حیوانی است حق و حقوقی از او ضایع نمی‌شود.

■ **سوگندنامه دامپزشکی در مورد حقوق حیوانات چه می‌گوید؟**

– دامپزشکان سوگند می‌خوریم که در کاهش آلودگی حیوانات بکوشیم. حیوانی که به کشتارگاه می‌رود قبل از ذبح معاینه می‌شود تا اگر بیمار است و مشکل خاصی دارد، کشتار نشود. او باید در شرایطی ذبح شود که در نداشتن درد کوتاه‌ترین فاصله ممکن به حالت مرگ برسد. در کشتارگاه گاو را قبل از ذبح با شوک الکتریکی بیهوش می‌کنند تا در نداشتن

■ تا اینجا تقریباً کلیاتی در مورد حق و

در دین اسلام مباحث جالبی در ارتباط با حقوق حیوانات مطرح شده است و با تعمق در آنها اطلاعات خوبی به دست می‌آید، به‌طوری که اگر امروز کسی این حرف‌ها را تکرار کند، گفته خواهد شد انسانی بسیار روشنفکر و به‌روز است

حقوق حیوانات به معنای عام آن مطرح شد. در مورد حیوانات خانگی که این روزها خیلی از مردم در خانه نگهداری می‌کنند، به لحاظ قانونی و فرهنگی به چه مواردی می‌توان اشاره کرد؟

در مورد حیوانات خانگی با چند نوع حیوان و چند گروه آدم مختلف سروکار داریم و اختلاف‌نظر به وجود می‌آید. گاهی پلیس و کسی که دم‌از حقوق حیوانات می‌زند یک حرف می‌گوید، اما نوع بیان آنها با هم تفاوت دارد. قطعاً شهرهای ما برای شهروندان ساخته شده است و باید حقوق شهروندان در آنها رعایت شود و کسی که حیوانی را بخورد همراه دارد بر بخشی از حقوق خود این را می‌نجاند و در کنار آن، آن شخص موظف به رعایت حقوق این حیوان است. شهر داری موظف به سیر کردن شکم تمام حیوانات نیست، ولی موظف است اگر کسی حیوانی داشت جایی برای ابر بردن او فراهم کند. این منطقی است. در هیچ کجای شرع ما، حق داشتن حیوان از انسان سلب نشده است؛ ولی حیوان داریم تاحیوان؛ یکی اینکه نباید از حیواناتی نگهداری کنیم که به نوع بشر آسیب می‌زنند. دوم نباید حیوانات در حال انقراض باشند. سوم اینکه نگهداری از حیوان نباید به گونه‌ای باشد که بهداشت شهر را به خطر بیندازد؛ البته این مسئله دو طرفه است، نه حیوان بهداشت شهر را به خطر بیندازد و نه انسان بهداشت حیوان را نادیده بگیرد. در دو دهه اخیر مردم بیشتر به داشتن حیوانات خانگی رو آورده‌اند. همان طور که تمایل آنها به داشتن ماشین بیشتر شده است. کلاً زندگی ایرانیان به سمت صنعتی شدن پیش می‌رود و از سنت‌ها فاصله می‌گیرند. در عین حال برخی گرایش‌ها به این دلیل که ذاتی است در ما باقی مانده است. ماعوض نشده‌ایم، بخت ماعوض شده است. برای مثال نیاکان ما ۱۰۰ سال قبل با مرغ و خروس زندگی می‌کردند و ما هم امروز خلأ زندگی ماشینی را با آوردن حیوانات پر می‌کنیم. از سویی دیگر، تضارب فرهنگ در حال رخ دادن است و ما نمی‌توانیم با آن مقابله کنیم. اگر پلیس بدون منطق بگوید هیچ کسی حق ندارد سگ خود را بیاورد، اولین اتفاق این است که مردم توجه نمی‌کنند و حرف پلیس ضایع می‌شود. در این مرحله باید فکر کنیم و حرفی بی‌منطق نزنیم.

شهر داری موظف به سیر کردن شکم تمام حیوانات نیست، ولی موظف است اگر کسی حیوانی داشت جایی برای راه بردن او فراهم کند. این منطقی است. در هیچ کجای شرع ما حق داشتن حیوان از انسان سلب نشده است

سگ‌های حومه شهر بود. چون نوع بشر در این کار دخالت کرد و از سگ‌ها به نفع خود حمایت بیش از حد داشت و طبیعی است که این گونه ناخودآگاه گونه‌های رقیب خود را از بین ببرد. مشکلی که در حال حاضر با آن مواجه هستیم این است که هم‌دهای کاسب و جوددار ندو به بهانه ممنوعیت سگ‌گردانی از مردم اخاذی می‌کنند و هم در این سوغدهای کاسبکاری می‌کنند و به بهانه دفاع از حقوق حیوانات سود کلانی به جیب می‌زنند. همه این موارد به عدم تعادل برمی‌گردد. در حالی که دین ما و همه ادیان به تعادل اشاره کرده‌اند.

■ **در خیابان‌های بینیم حیوانات خانگی بعضی رانندگان برای جلب توجه دیگران تا کمر از شیشه ماشین بیرون است. همه این مواردی که مطرح می‌کنید صحیح، اما بسبب بسیاری از مردم حتی فرهنگ نگهداری حیوانات خانگی را هم ندارند. قبول دارید؟**

■ **در این باره بیشتر توضیح می‌دهید؟ قوانین کشورهای دیگر در این زمینه چگونه تدوین شده‌است؟**

مانا نقص زیادی داریم. در دین مانیز یک سری اصول و یک سری فروع وجود دارد. اصول دین اصل است و فروع بر اساس نیاز روز نوشته می‌شود. قوانین مدنی نیز همین است. حق زیست سالم اصل دین است، ولی قانون‌های ریزتر به صورت موضوعی به میان می‌آیند و در بسیاری از مواقع رنگ آنها عوض می‌شود. مثلاً با بین رفتن سیستم رنگ سوار سوار سوار از قوانین در شکه سوار از بین رفته و قوانین خود را جای گرفته است. در هم‌زیستی ما با حیوانات حقوق جدیدی به وجود می‌آیند. همان قدر که من حق دارم سگم را برای پیاده‌روی بیرون ببرم همان قدر نیز انسانی حق دارد از او خوشش نیاید. در اروپا قوانینی در رابطه با حیوانات وجود دارد. پلیس اروپا ماشینی را که سگ تا کمر از شیشه بیرون آمده است جریمه می‌کند. سگ در متر و باید پوز می‌ند داشته باشد. ما خلایه قانونی داریم و قانون‌گذاران ما وقت فکر کردن به چنین مواردی را ندارند. البته روحیه رسیدگی به این موضوعات را نیز ندارند. این بسیار مهم است. جوامع به این دلیل به سرعت انتخاب نمایندگان جوان تر می‌روند تا کسی را برای گرفتن حق خود داشته باشند. فردی ۷۰ ساله خبر چندان از نیاز انسانی ۳۰ ساله ندارد. بنابراین من عقیده دارم فرستادن افراد با فیلترهای خاص به مجلس از نواقص قوانین کشور ماست. اتفاقی که می‌افتد این است که این افراد نمی‌دانند چه اتفاقاتی در بطن جامعه در حال رخ دادن است. این قشر گفت‌وگویی با ممتن جامعه ندارد. عدم محاوره وجود دارد. البته به عقیده من مادر ایران اعتقادی به گفت‌وگو نداریم. نه حرف‌زدن را بلدیم و نه حرف شنیدن را. در گفت‌وگو خود نمی‌توانیم حد تعادل را رعایت کنیم و کسی که تاحدی شنونده بود دیگر نمی‌خواهد حرف ما را گوش بدهد و او نیز به ما اجازه حرف‌زدن نخواهد داد.

■ **قشری از جامعه که به نگهداری از حیوانات علاقمند هستند چه قوانین و نکاتی را باید رعایت کنند؟**

اولین نکته این است که مردم حیوانات خانگی را از هر کسی نخرند چرا که ممکن است بیمار باشند. حتی این روزها در کوچه‌ها و پیاده‌روها دیده می‌شود که مردم اقدام به خرید و فروش بی‌نظم و قاعده حیوانات می‌کنند که این مسئله برای بهداشت عمومی خطرناک است. این نیز از نواقص ما است. علاقه‌مندانی در حال پرورش حیوانات خانگی هستند و شهروندانی آنها را خریداری می‌کنند نه آنها می‌دانند چطور پرورش دهند و نه اینها می‌دانند چطور می‌خرند. کسی نیست که قوانینی در این رابطه ایجاد کند. وقتی آلمان‌های ایدئولوژیک را بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های جامعه به میان



باید ببینیم که مردم حیوانات را دوست دارند و حق دارند با آنها زندگی کنند. کسی نباید این حق را از مردم بگیرد. اگر پلیس بدون منطق بگوید هیچ کسی حق ندارد سگ خود را بیاورد، اولین اتفاق این است که مردم توجه نمی‌کنند و حرف پلیس ضایع می‌شود

می‌آوریم در حقیقت خود به خود کاری اقتصادی را سیاسی می‌کنیم. هر کجا نیازی باشد کسی برای رفع نیاز کار می‌کند. مگر پارک و کافی‌نت و گلفروشی چطور به وجود آمدند؟ همه بر اساس نیاز به وجود می‌آیند. حیوانات نباید به صورت قاچاق خرید و فروش شوند. باید نظارت دامپزشک در جریان باشد. همه چیز باید قانون‌مند باشد.

■ **نظر تان در مورد شکار حیوانات چیست؟** هم خوب است و هم بد. سازمان‌های حفاظت از محیط زیست در جهان توسط شکار چیان به وجود آمده‌اند در یک سری از تئوری‌ها به دلیل مداخلات انسان، گونه‌های جانوری زیاد می‌شوند و باید آنها را شکار کرد. به‌طور مثال امروز شکار گراز در سمت سمنان مانعی ندارد. چون گراز‌ها مزارع سیب‌زمینی را به هم می‌ریزند. در سوئد و یافلانند گاهی تعداد گوزن‌ها آنقدر زیاد می‌شود که ماشین‌ها با آنها تصادف می‌کنند و گونه‌های جانوری دیگر را به خطر می‌اندازند. در برخی نقاط دنیا حساسیت‌های محیطی روی برخی از گونه‌ها یاد است و گونه‌های دیگر به دلیل از دیاد جمعیت آنها به خطر می‌افتد و این چرخه درست نیست. در کشور ما با این شرایط محیطی به نظر می‌توان تقریباً تمام گونه‌های جانوری بجز حیواناتی که انسان در تولید مثل آنها دخالت دارد از جمله سگ‌ها و گربه‌ها تقریباً تمام وحوش مادر حال انقراض هستند. نسبت به ۲۰ سال پیش کلاغ‌های تهران از بین رفته‌اند و در خانه‌ها و دست‌ها و قنات‌های ما مشکل دارند، چون سیستمی فکر نکرده‌ایم.

■ **برای کسانی که امروز حیوان خانگی دارند و برای سازمان‌های حمایت‌کننده از حقوق حیوانات چه توصیه‌ای دارید؟**

بحث این انجمن‌ها و سازمان‌ها بسیار پیچیده است؛ لزوماً همه آنها درست کار نمی‌کنند و فکر می‌کنند در دست کار می‌کنند. البته درست کار کردن و کار درست کردن دو بحث متفاوت است. شاید کسی بسیار صادقانه کار کند ولی کار درستی انجام ندهد. انجام درست کار غلط گاهی ضرری مضاعف دارد. لزوماً وقتی کسی فکر می‌کند درست کار می‌کند کار او کار درستی نیست. مثل کسانی که به سگ‌های حومه شهر غذای می‌دهند و این کار جز پیچیده کردن مشکلات محیط‌زیست ماکاری برای شهر و کشور نخواهد کرد. برای انجمن‌ها نیز قانون درستی نداریم. دنیای حیوانات نیز به اندازه دنیای ما انسان‌ها وسیع است و دنیایی موازی در کنار دنیای ما است و باید به همان اندازه برای آن قوانین داشت. میلیاردها سال زمان برده تا قوانین جنگل نوشته شود.

■ **برای شروع این وضعیت به عنوان یک دامپزشک چه راهکارها و پیشنهادهایی ارائه می‌دهید؟**

هیچ چیزی را در زندگی خود تک‌بعدی نمی‌بینید. سگ و گوسفند در همان سیستمی قرار می‌گیرند که من و شما در آن قرار داریم. مشکلات زیستی جهان مابا تفکر سیستمی داشتن و حرف‌زدن و مذاکره کردن حل می‌شود. وقتی مسئله‌ای در بین دولت و مردم پیش می‌آید، بهترین راه حل آن گفت‌وگو و دیالوگ است. نه اینکه کسی به واسطه اینکه زور بیشتری دارد حرف خود را به کرسی بنشاند. حالا از مسئله سگ‌گردانی گرفته تا آلا آخر... ما باید ببینیم که مردم حیوانات را دوست دارند و حق دارند با آنها زندگی کنند. کسی نباید این حق را از مردم بگیرد. بنابراین این قضاوت ماعمولاً با عدم درک درست همراه است. مردم، شهرداری و پلیس در مورد حیوانات خانگی گفت‌وگو کنند. وقتی به مشکلی بر می‌خوریم، بر خوردهای قهری می‌کنیم، مثلاً مهاجرت می‌کنیم، قهر می‌کنیم و یا در غار تنهایی خود فرو می‌رویم. متأسفانه همه این مسائل وجود دارد. فرهنگ گفت‌وگو، محاوره و تفکر سیستمی می‌تواند مشکلات کل کشور ما را در همه زمینه‌ها حل کند.